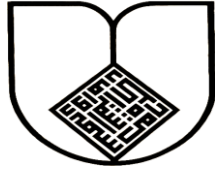


په نامه د علم د زده کړو د وزارت د پوهنې د ادارې  
د افغانستان د استادان



جزوه آموزشی

# آشنایی با معارف

## سوره مجادله

معاونت دانشجویی فرهنگي دانشگاه

مدیریت فرهنگی

تابستان ۱۴۰۳

الحمد لله  
الرحمن  
الرحيم

## فهرست

صفحه	عنوان
۱	سیمای سوره مجادله
۱	اهداف اساسی سوره مجادله
۲	سه نحوه‌ی برخورد جامعه انقلابی
۲	مباحثی که این سوره درباره‌ی آنها سخن می‌گوید
۳	آیه شماره ۱
۴	آیه شماره ۲
۶	آیه شماره ۳
۶	نگاهی به موعظه
۸	آیه شماره ۴
۹	آیه شماره ۵
۱۰	آیه شماره ۶
۱۱	آیه شماره ۷
۱۳	آیه شماره ۸
۱۵	آیه شماره ۹
۱۶	آیه شماره ۱۰
۱۷	آیه شماره ۱۱
۱۹	آیه شماره ۱۲
۲۱	آیه شماره ۱۳
۲۲	آیه شماره ۱۴
۲۲	آیه شماره ۱۵
۲۳	آیه شماره ۱۷
۲۴	آیه شماره ۱۸
۲۵	آیه شماره ۱۹
۲۶	آیه شماره ۲۰
۲۸	آیه شماره ۲۲
۲۹	تولی و تبری
۳۰	انواع تائیدهای الهی در قرآن
۳۲	منابع

## سیمای سوره مجادله

سوره مُجادله پنجاه و هشتمین سوره و از سوره‌های مدنی قرآن است که در جزء ۲۸ جای گرفته است. نام‌گذاری این سوره به نام مجادله، به دلیل شکایت زنی از ظهار همسرش نزد رسول الله (ص) است.

سوره مجادله درباره حکم ظهار، آداب معاشرت و همنشینی و منافقان سخن می‌گوید و مؤمنان را از ورود به حزب شیاطین و منافقان برحذر می‌دارد. در ترتیب نزول صد و ششمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. ویژگی خاص سوره مجادله این است که تنها سوره‌ای است که در تمام آیاتش کلمه «الله» آمده است.

آیات ابتدایی (آیه ۲-۴) سوره مجادله را جزو آیات الاحکام برشمرده‌اند. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «هر کس سوره مجادله را تلاوت کند در قیامت در گروه حزب الله خواهد بود».

«سوره قد سمع»؛ به خاطر شروع سوره با عبارت «قد سمع» سوره مجادله به این نام هم مشهور شده است.

تاریخ نزول سوره مجادله در سال ششم هجری (ما بین صلح حدیبیه و جنگ تبوک) است و بعد از سوره منافقون نازل شده است.

چون خداوند سبحان سوره حدید را به ذکر فضل خود و بندگان منتخب خودش پایان داد سوره مجادله را بذکر بیان فضل خدا در اجابت دعوت‌ها شروع کرد چنانچه دعای زن شکایت‌کننده از شوهرش را اجابت نمود.

### اهداف اساسی سوره مجادله عبارت اند از:

۱. یادآوری ایمان و شرایط آن؛
۲. تأدیب مسلمانان به آداب اسلامی؛
۳. مبارزه با خرافات و اصلاح فرهنگ زمانه (فرهنگ جاهلی عرب)؛
۴. تعیین مرز مؤمنان و منافقان؛

ابی بن کعب گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « کسی که سوره مجادله را قرائت کند در روز قیامت از حزب الله نوشته شود»

### سه نحوه‌ی برخورد جامعه انقلابی در برابر سنت‌های پیشین:

الف) برخورد حذفی:

جامعه‌ی انقلابی یک داس در دست بگیرد و تمام سنت‌های درست و غلط جامعه را ریشه کن بکند.

ب) برخورد انفعالی:

یک حرکت، حرکت حساس نبودن روی سنت‌های جاهلی و ضدانقلابی و ارتجاعی است.

ج) برخورد منطقی:

اسلام حدّ وسط دارد؛ یعنی سنجیدن سنت‌ها. سنت‌های خوب را نگه داشتن و بدھایش را رد کردن. آنهایی را هم که رد میکند با استدلال و منطق و به صورتی که در دل مردم جا بیفتد و عمق پیدا بکند، رد میکند. این سوره بیست و دو آیه دارد و در مدینه نازل شده و تنها سوره‌ای از قرآن است که در تمام آیات آن لفظ جلاله «الله» آمده است. سوره مجادله چهارصد و هفتاد و سه کلمه دارد. به مناسبت مسأله جدال که در آیه اول آمده، این سوره مجادله نام گرفته است.

### مباحثی که این سوره درباره‌ی آنها سخن می گوید، عبارتند از:

۱. قانون ظهار که نوعی طلاق در دوران جاهلیت بود.

۲. موارد مثبت و منفی نجوا.

۳. احترام به کسانی که وارد مجلس می شوند.

۴. تفکیک حزب الله از حزب شیطان.

## جزء ۲۸»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱)»  
همانا خداوند سخن آن زنی که درباره همسرش با تو مجادله کرده و به سوی خدا شکوه و گلایه می کرد، شنید و خداوند گفتگوی شما دو نفر را می شنود، همانا خداوند شنوای بیناست.

### نکته ها:

\* در زمان جاهلیت، نوعی طلاق بود که بر اساس آن، مرد دیگر حق بازگشت به همسرش را نداشت و زن نیز حق انتخاب شوهر دیگری نداشت، به این نوع طلاق، ظهار می گفتند.  
در زمان پیامبر اسلام، مردی همسرش را این گونه طلاق داد و خطاب به او گفت: «انت علی کظهر امی» تو نسبت به من، مثل مادرم هستی. آن زن نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را بیان کرد، حضرت فرمود: قانونی از طرف خداوند برای این مورد نیامده است، زن هراسان شد و گفت: «أشکو الی الله فاقتی و حاجتی و شده حالی» به خدا شکوه می کنم از بدبختی خود، جوانی و سلامتی ام رفت، کودکانی دارم که اگر به شوهرم بسپارم ضایع می شوند و اگر نزد خودم باشند گرسنه می مانند.  
طولی نکشید که آیات این سوره نازل شد و دستور رسید هر کس چنین کند، باید کفاره بپردازد و طلاق هم صورت نگرفته است. از آنجا که شوهر، قدرت خرید برده و آزاد کردن آن را نداشت و نیز اطعام شصت مسکین در توان او نبود و دو ماه روزه گرفتن نیز برای او ضرر داشت، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مقدار مناسبی به او کمک کرد و آن مرد به واسطه کمک حضرت، شصت فقیر را غذا داد و با این کفاره به زندگی خود برگشت. [۱]

\* خداوند در این یک آیه، سه بار از سمیع بودن خود سخن گفته است تا مردم با او گفتگو کنند.

«سَمِعَ ، يَسْمَعُ ، سَمِيعٌ»

## پیام ها:

- ۱- در سخنان خود دقت کنیم که خداوند آنها را می شنود. «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي»
- ۲- خداوند به دعاها و ناله های ما گوش فرا می دهد. «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي»
- ۳- پیامبر گرامی، با موقعیت رهبری جامعه، به راحتی در دسترس عموم بود و مردم در مورد مشکلاتشان با او گفتگو می کردند. «تُجَادِلُكَ»
- ۴- آزادی اظهار نظر و عقیده در حکومت اسلامی به قدری است که یک زن می تواند با رهبر جامعه مجادله کند. «الَّتِي تُجَادِلُكَ»
- ۵- در بن بست ها به خدا و اولیای او پناه ببرید. «تَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ»
- ۶- حوادث، نیازها، ناله ها و بن بست ها، زمینه ساز وضع قوانین هستند. وَ اللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمْ ... سَمِيعٌ بَصِيرٌ
- ۷- شنوا و بینا بودن و آگاهی از مشکلات مردم، شرط صلاحیت قانون گذاران جامعه است. وَ اللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمْ ... إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

\*\*\*\*\*

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ (۲)

کسانی از شما (مردان) که نسبت به همسرانشان اظهار می کنند، (بدانند که) آنها مادرانشان (نمی شوند و) نیستند. مادرانشان کسانی هستند که آنها را متولد کرده اند و آنان (بر اساس عادت جاهلی) سخن ناپسند و باطل می گویند و البته خداوند بسیار با گذشت و آمرزنده است.

## نکته ها:

\* در توضیح آیه قبل بیان شد که در زمان جاهلیت، اظهار، نوعی جدایی و طلاق بود که با گفتن جمله ای بدین مضمون: «هم خوابی با تو مثل هم خوابی با مادرم است» صورت می پذیرفت. اسلام این نوع طلاق را تحریم و مرد را در صورت انجام دادن آن، موظف به پرداخت کفاره کرد.

\* کلمه «زور» به معنای سخن باطل و دروغ است.

\* کسانی که قبل از نزول این آیه،ظهار کرده بودند مورد عفو الهی قرار گرفتند. «إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ»

### پیام ها:

- ۱- یکی از رسالت های انبیا، برداشتن خرافات و سنت های غلط میان مردم است. الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ ...
- ۲- یکی از ظلم هایی که دوران جاهلی در حق زن روا می داشت، قانون ظهار بود که اسلام آن را لغو و برای ارتکاب آن جریمه سنگین تعیین کرد. يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ ... لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ
- ۳- مبارزه با خرافات و عادات و سنت های غلط، باید منطقی و مستدل باشد. «مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَكَذَنَّهُمْ»
- ۴- گاهی یک ناله ی به حق، به یک جریان نجات بخش منجر می شود. تَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ ... إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَكَذَنَّهُمْ
- ۵- زشت گویی و زورگویی، سیره مستمر جاهلیت بوده است. لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا ...
- ۶- برای هر کاری راهی شرعی و قانونی است، راه جدا شدن زن و مرد از یکدیگر طلاق است، آن هم با مراعات قوانین و حقوق هر دو، ولی جدا شدن از طریق ظهار و هر راه نامشروع دیگر، منکر و باطل است. «لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنْ الْقَوْلِ وَ زُورًا»
- ۷- خداوند، هم گناهان را می بخشد و هم چشم پوشی می کند. «لَعَفُوٌّ غَفُورٌ»
- ۸- گناه هر چند بزرگ باشد، عفو الهی قابل تردید نیست. لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا ... لَعَفُوٌّ غَفُورٌ

\*\*\*\*\*



وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَا ذَلِكَ تُوعِظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣﴾

و کسانی که نسبت به همسران خود ظهار می کنند، سپس از آنچه گفته اند (پشیمان شده) و برمی گردند، کفارہ آن قبل از آنکه با هم تماس گیرند، آزاد کردن برده است. این (دستوری) است که به آن پند داده می شوید و خداوند به آنچه عمل می کنید، به خوبی آگاه است.

### نکته ها:

\* در قرآن، آزاد کردن برده، به عنوان کفارہ برای قتل خطایی، [۲] سوگند نابجا [۳] و ظهار در نظر گرفته شده است.

### نگاهی به موعظه

موعظه به معنای هشدار و تذکر و نعمتی است که برای نرم شدن دل مخاطب و پذیرش او باشد و در اسلام جایگاه ویژه ای دارد زیرا:

خداوند موعظه می کند: «إِنَّ اللَّهَ نِعْمًا يَعِظُكُمْ بِهِ» [۴]

پیامبر مأمور به موعظه است: «وَعِظُهُمْ ... قَوْلًا بَلِيغًا» [۵]

قرآن موعظه است: «هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» [۶]

### • موعظه انواعی دارد:

الف) موعظه با گفتار، نظیر موعظه های لقمان به فرزندش. «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ» [۷]

ب) موعظه از طریق رفتار که در روایات سفارش شده نه تنها با گفتار که با عمل خود مردم را به کار خیر دعوت

کنید. «كونوا دعاه الناس بغير السننكم» [۸]

ج) موعظه از طریق تنبیه و کیفر. چنانکه این آیه، آزاد کردن برده را وسیله پند گرفتن قرار داده است. «ذَلِكَ

تُوعِظُونَ بِهِ»

• در مسائل خانوادگی، قرآن به موعظه توجّه خاصی دارد:

الف) به مردان می گوید: موعظه کنید: «فَعِظُوهُنَّ» [۹]

ب) در مورد طلاق می فرماید: بعد از تمام شدن مدّت عدّه، نگهداری یا جدایی باید همراه با عدل و نیکی باشد.

«ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ» [۱۰]

ج) در مسئله ظهار نیز مردان را موعظه می کند. «ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ»

د) برخورد والدین با فرزندان باید همراه موعظه باشد. «قَالَ لَقَمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ»

**پیام ها:**

۱- در دوران جاهلی، مردان به زنان ظلم می کردند. «يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ»

۲- اسلام بن بست ندارد و هر کس می تواند به مسیر درست بازگردد. «يَعُودُونَ»

۳- جریمه، نقش پیشگیری داشته و راهی برای کنترل جرم است. يُظَاهِرُونَ ...

فَتَّخِرِيرُ رَقَبَةٍ

۴- هر سخن و کلامی را نمی توان به همسر گفت. بعضی کلمات کفاره سنگین دارد. «لِمَا قَالُوا فَتَّخِرِيرُ رَقَبَةٍ» در مقابل

گفتار خود نیز مسئولیت داریم.

۵- ظلم به همسر تاوان دارد. «فَتَّخِرِيرُ رَقَبَةٍ»

۶- اسلام از هر فرصتی برای آزادی بردگان استفاده می کند. «فَتَّخِرِيرُ رَقَبَةٍ»

۷- اسلام برای حفظ نظام خانواده، جریمه هایی را وضع کرده است. «فَتَّخِرِيرُ رَقَبَةٍ»

۸- بازداشتن انسان ها از کار بد همیشه با سخنرانی نیست، گاهی از طریق جریمه باید موعظه صورت گیرد. فَتَّخِرِيرُ

رَقَبَةٍ ... تُوعَظُونَ

۹- جرایم اسلام انتقامی نیست، تربیتی است. «تُوعَظُونَ بِهِ»

۱۰- در پرداخت جرایم، حيله و فرار نباید باشد که خداوند ناظر است. «وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

\*\*\*\*\*

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٤)

پس کسی که (برده ای برای آزاد کردن) نیافت، باید قبل از آمیزش با همسر، دو ماه پی در پی روزه بگیرد و کسی که نمی تواند باید شصت مسکین را طعام دهد. این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان آورید و این قوانین الهی است و برای کافران (که اهل عمل به احکام الهی نیستند)، عذابی دردناک است.

### نکته ها:

\* در قرآن بیش از ده مرتبه کلمه ی «حدود» بکار رفته است که اکثر آنها مربوط به حقوق خانواده می باشد.  
\* کسی که برده ای برای آزاد کردن نیافت، باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد. بر اساس روایات، اگر کسی ۳۱ روز آن را پشت سر هم روزه گرفت، می تواند باقی روزه ها را به صورت متفرقه بگیرد. و این خود تسهیلی است که از طریق اهل بیت وارد شده است. [۱۱]

\* تکرار جمله «قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا» در این دو آیه، نشان آن است که قبل از پرداخت جریمه، تماس با همسر ممنوع است. [۱۲]

### پیام ها:

۱- دین جهانی باید قوانینش قابل تطبیق با هر زمانی باشد، تا مردم در بن بست قرار نگیرند. گاهی برده نیست، «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ» و گاهی امکان روزه گرفتن نیست.

«فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ»

۲- جرائم اسلامی، انواع برکات را برای جامعه در بر دارد:

بردگان را آزاد می سازد. «فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ»

با روزه گرفتن، افراد را صبور و مقاوم می کند. «فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ»

با اطعام، گرسنگان را سیر می کند. «فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا»

۳- جریمه باید متنوع و درجه بندی داشته باشد و شرایط زمانی و مکانی و توان افراد در نظر گرفته شود. «فَتَحْرِيرُ

رَقَبَةٍ ... فَمَنْ لَمْ يَجِدْ ... فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ»

۴- احکام الهی تخفیف بردار هست، ولی تعطیل بردار نیست. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ ... فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ ...

۵- در مجازات و جرایم الهی، از اموال یا توان بدنی شما کاسته می شود ولی در عوض به ایمانتان افزوده می شود.

فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ... فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ ... فَأِطْعَامُ سِتِّينَ ... ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا

۶- فلسفه جرایم و کیفرها را روشن کنید تا مردم با دلگرمی آنها را بپذیرند.

فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ... ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا

۷- عمل نکردن به حدود الهی و بی اعتنایی به آن، کفر است. «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ»

\*\*\*\*\*

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (۵)

همانا کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند، سرکوب شده اند همان گونه که پیشینیان سرنگون

شدند و همانا ما نشانه های روشنی نازل کردیم و برای کافران عذابی خوار کننده است.

#### نکته ها:

\* «يُحَادُّونَ اللَّهَ» به معنای ایجاد مانع و مخالفت در حدود الهی است، خواه با حدید(آهن) و قدرت باشد یا از طریق

لجاجت و عناد و کارشکنی و توطئه.

\* «كُتِبُوا» از «کبت» به معنای سرکوب کردن و از پا در آوردن است.

\* در این سوره دوبار جمله ی «إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» تکرار شده است و در هر دو آیه، خواری و ذلت به

عنوان کیفر مانع تراشی در راه اجرای حدود الهی بیان شده است.

چنانکه در آیه ۲۰ می فرماید: «أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ»

#### پیام ها:

۱- اصرار بر رسوم جاهلی و بی اعتنایی به حدود الهی، جنگ با خدا و رسول است. الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ ... فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ...

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ... الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ ...

۲- در درگیری حق و باطل، شکست و رسوایی برای باطل است. يُخَادُّونَ اللَّهَ ... كُفِتُوا

۳- خداوند، اعتبار یا هشداری که برای ایمان یا جنگ با خودش مقرر کرده، همان را برای ایمان یا جنگ با رسولش

نیز مقرر کرده است. لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ... يُخَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

۴- در راه اجرای احکام الهی، مانع تراشی نکنید که عاقبت تلخی در پی دارد.

يُخَادُّونَ اللَّهَ ... كُفِتُوا

۵- به مخالفان هشدار دهیم. يُخَادُّونَ اللَّهَ ... كُفِتُوا

۶- اگر در رسوایی اهل باطل شک دارید، به تاریخ مراجعه کنید. «كَمَا كُفِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»

۷- تاریخ و حوادث تاریخی دارای قانون و سنت است. کما کبتوا کبت...

۸- حق، همیشه دشمن داشته است. «كَمَا كُفِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»

۹- قهر الهی بعد از اتمام حجت است. كُفِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ ...

۱۰- نشانه های خدا هم روشن است و هم متعدد. «آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ»

۱۱- ستیز در برابر انبیا، توهین به آنان است و لذا کیفر این گونه افراد، خواری و ذلت است. «وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ»

۱۲- مانع تراشی و ستیز در برابر حق، یا کفر است یا به کفر می انجامد. «وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ»

\*\*\*\*\*

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۶)

روزی که خداوند همه آنان را برانگیزد تا به آنچه انجام داده اند، آگاه سازد. (اعمالی که) خداوند تماماً شمارش

کرده و آنها فراموش نموده اند و خدا بر هر چیز شاهد و گواه است.

#### نکته ها:

\* این آیه به بعثت همه مردم در قیامت، به صورت دسته جمعی اشاره می کند که نمونه آن را در جای دیگر چنین

می خوانیم: «حَسْرَتُهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» [۱۳] همه را در صف محشر برانگیزیم و یکی را فرو نگذاریم.

و نمونه احصای خداوند را در آیه ای دیگر چنین می خوانیم:

... ما لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا ... [۱۴] این چه کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ ما را فرو نگذاشته، همه را به شمارش در آورده است.

\* کلمه «شَهِيدٌ» در قرآن گاهی به معنای مشهود است و گاهی به معنای شاهد و در اینجا به قرینه ی أَحْصَاهُ اللَّهُ ... به معنای شاهد می باشد؛ البته در کنار گواهی و شهادت خداوند، شاهدان دیگری نیز هستند. «يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» [۱۵]

### پیام ها:

- ۱- قهر الهی هم در دنیا است، «كَبِتُوا» و هم در آخرت. «يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ»
- ۲- معاد، صحنه ظهور قدرت و علم الهی است. «يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً» نشانه قدرت و «فَيُنَبِّئُهُمُ» نشانه علم اوست.
- ۳- دادگاه قیامت علنی و عمومی است. «جَمِيعاً فَيُنَبِّئُهُمُ»
- ۴- به مجرم، خلاف کاری هایش را تفهیم کنید. «فَيُنَبِّئُهُمُ بِمَا عَمِلُوا»
- ۵- ستیزه جویان بدانند که توطئه ها و کارشکنی هایشان ثبت و ضبط می شود، گرچه خودشان فراموش کنند و از یاد ببرند. أَحْصَاهُ اللَّهُ ... نَسُوهُ
- ۶- خلاف های کوچک خود را نادیده نگیرید که خداوند حساب دقیق همه را دارد. «أَحْصَاهُ اللَّهُ»
- ۷- فراموش کردن خلاف ها، سبب محو آنها نمی شود. «أَحْصَاهُ اللَّهُ وَ نَسُوهُ»
- ۸- عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنیم. «وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»

\*\*\*\*\*

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آذَنِي مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (۷)

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در آسمان ها و زمین است، می داند. هیچ رازگویی و نجوای سه نفره نیست مگر آنکه او چهارمین آنهاست و هیچ پنج نفره ای نیست، مگر آنکه او ششمین آنان است و نه (رازگویی) کمتر از آن و

نه بیشتر، مگر این که او با آنهاست، هر جا که باشند، سپس در روز قیامت آنان را به آنچه که انجام دادند، خبر خواهد داد. همانا خداوند به هر چیزی بسیار داناست.

### نکته ها:

\* «تَرَّ» از «رُؤیت» به معنای دیدن است که گاهی به معنای فهمیدن نیز بکار می رود و در اینجا این معنا مراد است.  
\* «نَجْوَى» از «نَجْوَه» به معنای مکان بلندی است که از سایر قسمت های زمین جداست. از آنجا که سخن در گوشه، در واقع جدا کردن طرف از دیگران است و یا چنان آهسته بیان می شود که سایرین از آن آگاه نمی شوند و یا به خاطر این که محتوای سخنانی که گفته می شود، وسیله دور شدن شنونده از خطر می باشد، به آن «نَجْوَا» گفته می شود.

همچنین نجوا شامل جلسات مخفیانه ای می شود که افراد مجرم و خلاف کار، به دور از چشم دیگران تشکیل می دهند و آهسته و بدون کوچک ترین سر و صدایی سخن می گویند به گمان این که کسی آنها را نمی بیند و سخنشان را نمی شنود.

\* قرآن، درباره علم خداوند به اسرار و نجوای مردم، چندین بار سخن به میان آورده است، از جمله: آیه ۷۸ سوره توبه «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» و آیه ۸۰ سوره زخرف «أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ»

\* در این آیه و آیه قبل، ده بار به علم خداوند اشاره شده و آغاز و پایان این آیه، با علم الهی است. يَعْلَمُ ... عَلِيمٌ  
\* با نگاهی به آیات قبل، به خصوصیات علم الهی پی می بریم.

علم او به تمام جزئیات است. «هُوَ رَابِعُهُمْ ، هُوَ سَادِسُهُمْ»

علم او دقیق است. «أَخْصَاهُ اللَّهُ»

علم او حضوری است. «عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»

به علم او غبار نسیان نمی نشیند. «أَخْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ»

به واسطه علم او دیگران از اعمال فراموش شده خود با خبر می شوند. نَسُوهُ ... يُنَبِّئُهُمْ

احاطه علمی خدا به همه هستی همیشگی و ازلی است. «هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا»

علم دارد، ولی معمولاً در دنیا کسی را رسوا نمی کند. «يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

علم او دائمی است نه موسمی. «يَعْلَمُ ، عَلِيمٌ»

عمل او به آسمان ها و زمین، یکسان است. «يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ»

### پیام ها:

- ۱- نگاهی که به دانستن و فهمیدن حق نیانجامد، قابل توبیخ است. أَلَمْ تَرَ ...
- ۲- آسمان و زمین، بزرگ و کوچک، آشکار و پنهان، همه در برابر علم خداوند یکسان است. يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ... هُوَ رَابِعُهُمْ ... هُوَ مَعَهُمْ
- ۳- تعدد افراد و تنوع سخنان آنان، در علم خداوند تأثیری نداشته و خداوند به همه آنها و سخنانشان آگاه است. «لَا أَذْنَى مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ»
- ۴- چون وجود خداوند نامحدود است، پس هر جا که باشیم او همراه ما است. «هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا»
- ۵- مکان و زمان در علم خداوند اثری نداشته و او به همه چیز آگاه است. «هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا»
- ۶- در قیامت، خبر دهنده، خود شاهد بوده است. «شَهِيدٌ ، عَلِيمٌ ، يُنَبِّئُهُمْ»

\*\*\*\*\*

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يُعَادُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاؤُكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلَوْنَهَا فَبئسَ الْمَصِيرُ (۸)

آیا نظر نکردی به کسانی که از نجوا نهی شدند سپس به آنچه نهی شده، بازگشته و برای گناه و ستم و نافرمانی پیامبر با یکدیگر نجوا می کنند و (با این حال) هنگامی که سوی تو می آیند، کلماتی برای تحیت و سلام (و خوش آمد) بکار می برند که (حتی) خدا با آن تو را تحیت و سلام نگفته است و در بین خودشان می گویند: (اگر این مرد پیامبر است) پس چرا خداوند ما را به سبب آنچه می گوئیم عذاب نمی کند؟ جهنم برای آنان کافی است که وارد آن می شوند، پس چه بد سرانجام و جایگاهی است.



## نکته ها:

- \* در آیه قبل خواندیم که هر چند نفر با هم نجوا کنند، خدا نزد آنان حاضر است و سخن آنها را می شنود. این آیه نمونه ای از نجوا را بیان می کند که نجوای مخالفان درباره مخالفت با پیامبر است.
- \* «يَصْنَلُوْنَهَا» از «صلی» به معنای وارد کردن به جایی برای سوزاندن و گداختن است. [۱۶]
- \* انسان به تدریج مرتکب گناهان بزرگتر می شود:
  - «اثم»، گناه فردی است مثل شرب خمر.
  - «عدوان»، تجاوز به حقوق دیگران است.
- «معصیت الرسول»، مخالفت با فرمان های اجتماعی و حکومتی رهبر الهی است که برای مصالح مسلمانان صادر می فرماید. [۱۷]

## پیام ها:

- ۱- نجوا در جمع مؤمنان، منکری است که از آن نهی شده است. «نُهِوا عَنِ النَّجْوَى» (در آیه ی ۱۰ نیز می خوانیم: «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ»)
- ۲- ناهیان از منکر توقع نداشته باشند که مردم با گفتن آنها منکر را کنار بگذارند.  
«يَعُوذُونَ لِمَا نُهَوُا»
- ۳- تکرار گناه و بی اعتنایی به تذکرات، جرم را سنگین می کند. «يَعُوذُونَ لِمَا نُهَوُا»
- ۴- اطاعت از پیامبر معصوم واجب است. (لذا از نافرمانی او به هر شکل انتقاد شده است). «مَعْصِيَةِ الرَّسُولِ»
- ۵- به هر تجلیل و تکریم و تمجیدی اعتماد نکنیم. (منافقان، آشکارا تجلیل بیش از حد دارند، ولی مخفیانه از نافرمانی پیامبر سخن می گویند). «حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ»
- ۶- چاپلوسی و تملق و تعریف بیش از اندازه، از نشانه های نفاق است. «حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ»
- ۷- حتی در تجلیل از اشرف مخلوقات، حدود را مراعات کنیم. «لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ»
- ۸- نه تنها گفتار مخفی منافقان را خدا آشکار می کند، بلکه آنچه را در دل دارند و به اصطلاح حدیث نفس می کنند، برملا می سازد. «يَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ»
- ۹- مهلت های الهی را نشانه رضایت او ندانید. «لَوْ لَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ»

۱۰- سرانجام نفاق، جهنم است. «حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ»

۱۱- گفتار بد، سرانجام بدی را برای انسان آماده می کند. بِمَا نَقُولُ ... فَيُبْسِ الْمَصِيرُ

\*\*\*\*\*

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي

إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (۹۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه نجوا می کنید، به گناه و ستم و نافرمانی پیامبر نجوا نکنید و نسبت به کار نیک و تقوا نجوا کنید و از خدا پروا کنید که به سویش محشور می شوید.

#### نکته ها:

\* «بر» شامل هر کار نیکی می شود و نمونه هایی از آن در آیه ۱۷۷ سوره بقره آمده است:

وَلَكِنَّ الْأَبْرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ...

\* نجوا و درگوشی سخن گفتن می تواند احکام متفاوتی داشته باشد از جمله:

آنجا که فاش شدن اسرار، به ضرر اسلام و مسلمانان باشد، نجوا واجب است.

آنجا که سبب ترس و دلهره ی دیگران شود، نجوا حرام است.

و آنجا که برای کمک به دیگران و سفارش به تقوا باشد، مستحب است.

\* موضوع و محتوای گفتار، ارزش آن را مشخص می کند. اگر موضوع نجوا، نیکی و تقوا باشد یک ارزش است ولی

اگر گناه و ستم و توطئه باشد حرام است. البته گاهی محتوی نیز خوب است، اما موقعیت خوبی نیست. مثلاً در جمع

مؤمنان دو نفر درگوشی سخن بگویند.

#### پیام ها:

۱- مؤمن محترم است، حتی هنگام نهی از منکر احترام او را حفظ کنید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»

۲- در امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد و تبلیغ، راه های حق و باطل و مصادیق آن را باید روشن کرد. فَلَا تَتَنَجَّوْا

... تَنَجَّوْا

۳- همه ی سخنان را نباید آشکار و نهان گفت. گاهی باید نهی از منکر یا امر به معروف، در خفا و پنهان باشد. «تَنَجَّوْا

بِالْبُرِّ وَالتَّقْوَى»

۴- مبادا نجوای بد را به جای نجوای خوب قلمداد کنیم. تَنَجَّوْا ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

۵- تقوا و پرهیزکاری و توجه به معاد، زمینه دوری از سخنان نارواست. «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»

\*\*\*\*\*

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰)

همانا نجوا از سوی شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده اند اندوهگین کند، در حالی که جز به اذن

خداوند، هیچ (نجوایی) ضرر رسان نیست، پس باید مؤمنان تنها بر خداوند توکل کنند.

#### پیام ها:

۱- چنانکه ریخت و پاش و مصرف بیش از اندازه، انسان را برادر شیطان قرار می دهد، «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ

الشَّيَاطِينِ» [۱۸]نجوا نیز انسان را شیطان صفت می کند. «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ»

۲- هر گونه سخن آشکار و نهانی که موجب ترس و دلهره در میان مسلمانان گردد، کاری شیطانی است. «النَّجْوَى مِنَ

الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا»

۳- باید دغدغه ها را چنین تسلی داد که تا خدا نخواهد کسی نمی تواند آسیبی برساند. لِيَحْزُنَ ... لَيْسَ بِضَارِّهِمْ

۴- مؤمنان در حفظ و حراست خداوند هستند. «وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا»

۵- تلاشهای منافقان، از مدار قدرت الهی خارج نیست. «وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»

۶- جنگ روانی دشمن را خنثی کنیم. لِيَحْزُنَ ... وَ لَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا

۷- داروی شفابخش هر گونه ناآرامی و دلهره، توکل بر خداوند است. «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»

۸- توکل بر خدا کار هر کس نیست، ایمان می خواهد. «فَلْيَتَّوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» گرچه خداوند از مؤمنان حمایت می کند، ولی آنان نیز باید بر خداوند توکل کنند.

\*\*\*\*\*

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه به شما گفته شود در مجالس (برای دیگران) جا باز کنید، پس جا باز کنید تا خدا نیز برای شما گشایش دهد و هرگاه گفته شود برخیزید، برخیزید. (بزرگی، به نشستن در جای خاص نیست، بلکه) خدا از میان شما کسانی را که ایمان آورده و کسانی را که صاحب علم و دانش اند، به درجاتی رفعت و بزرگی می دهد و خداوند به آنچه انجام می دهید به خوبی آگاه است.

#### نکته ها:

\* «تَفَسَّحَ» به معنای وسعت دادن، گشایش و جا دادن است و «انْشُرُوا» به معنای بلند شدن از جای برای احترام به دیگران است.

\* در آیه قبل، عامل حزن و ناراحتی را نجوا بیان کرد، در این آیه، عامل شادمانی و محبت را، جا دادن برای نشستن در مجالس بیان می کند. [۱۹]

\* خداوند در قرآن برای چند گروه، جایگاه و درجات مخصوصی قرار داده است: انبیا، مجاهدان، نمازگزاران، اهل انفاق، مؤمنانی که عمل صالح انجام می دهند و دانشمندان.

\* شاید جمله «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» نشانه ی آن باشد که فرمان برپا، به خاطر ورود مؤمنان و دانشمندان است، یعنی به احترام آنان قیام کنید. [۲۰]

## یک خاطره:

مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج نقل می کند که در زمان امام هادی علیه السلام یکی از فقهای شیعه که در بحث با یک ناصبی منحرف، او را روشن کرده و حقانیت خود را ثابت کرده بود، وارد مجلسی شد که در آن مجلس، علویون و بنی هاشم نیز حضور داشتند. امام هادی علیه السلام آن فقیه را در بهترین جای مجلس نشانده. این همه احترام، برای علویون و بنی هاشم گران آمد، بزرگ آنان زبان به اعتراض گشود که چرا چنین فردی را بر ما برتری دادی؟

امام فرمود: آیا به داوری قرآن راضی هستید؟ گفتند: بله، حضرت این آیه را تلاوت فرمود:

تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ ... وَ إِذَا قِيلَ اُنْشُرُوا فَاُنْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ اٰتَوُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ اِرْزُش

این شخص به خاطر بحث علمی و شکستی که به آن ناصبی داد از هر شرف و نسبی بیشتر است [۲۱]

آری، عالم مؤمن بر مؤمن عادی برتری دارد، چنانکه مؤمن بر غیر مؤمن برتری دارد. قرآن در جای دیگر می فرماید:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ» [۲۲]

## پیام ها:

- ۱- ایمان شرایط و لوازمی دارد که باید رعایت گردد. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ...
- ۲- جا دادن و احترام به تازه واردان، یک ارزش است. فَافْسَحُوا ... فَاُنْشُرُوا
- ۳- جا دادن به دیگران در هر مجلسی که باشد لازم است. «فِي الْمَجَالِسِ»
- ۴- عمل به دستورات خداوند، زمینه برای دریافت پاداش های بیشتر است.  
«فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ»
- ۵- گشایش در کار دیگران، سبب گشایش خداوند در امور شماست. «فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ» پاداش الهی با عمل متناسب است. گشایش، گشایش می آورد.
- ۶- رعایت آداب اجتماعی، حتی در نشست و برخاست، مورد سفارش اسلام است. فَافْسَحُوا ... فَاُنْشُرُوا
- ۷- گاهی لازم است به احترام ورود بزرگان و دانشمندان به اهل مجلس گفته شود که برخیزید. «اُنْشُرُوا فَاُنْشُرُوا»
- ۸- علم، هدیه و تفضل الهی است. اُوْتُوا الْعِلْمَ ...
- ۹- صاحبان علم و دانش، باید در جامعه اسلامی از جایگاه بالا و والایی برخوردار باشند. «وَ الَّذِينَ اٰتَوُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»

۱۰- عمل دانشمند، پاداش بیشتری دارد. [۲۳] يَرْفَعِ اللَّهُ ... الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ

۱۱- جا دادن ها و بلند شدن ها، خالصانه و برای خدا باشد نه به انگیزه های دیگر.

«وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

۱۲- در نشست و برخاست ها، خدا را فراموش نکنیم. «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

\*\*\*\*\*

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ

غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه خواستید با رسول خدا، گفتگوی خصوصی داشته باشید، پس قبل از نجوای خود صدقه ای بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر (برای صدقه دادن مالی) نیافتید پس همانا خداوند آمرزنده و مهربان است (و می توانید بدون پرداخت صدقه گفتگوی خصوصی داشته باشید).

#### نکته ها:

\* گروهی از مردم به خصوص ثروتمندان مرتباً مزاحم پیامبر می شدند و خصوصی با پیامبر سخن می گفتند و کاری که مایه اندوه دیگران و یا کسب امتیاز و تقرب بی دلیل برای آنان بود. آیه نازل شد تا آزمونی برای علاقه واقعی آنان باشد. البته این حکم جنبه موقتی و آزمایشی داشت و پس از مدتی حکم برداشته شد. [۲۴]

\* حضرت علی علیه السلام می فرماید: آیه ای که نه قبل از من و نه بعد از من کسی به آن عمل نکرد، آیه صدقه است. دیناری داشتم، آن را به ده درهم تبدیل کردم، هر بار که می خواستم با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نجوا و گفتگو کنم، درهمی صدقه می دادم. [۲۵]

\* طهارت و پاکی دو نوع است:

۱. جسمی و ظاهری، «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا» [۲۶]

۲- روحی و باطنی. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ»

## پیام ها:

- ۱- ایمان، مسئولیت آور است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ...
- ۲- صدقه را باید پیش از انجام کار پرداخت کرد. فَقَدَّمُوا ... صَدَقَهُ
- ۳- معلم می تواند برای آموزش، هزینه ای را مشخص کند. چه خود دریافت کند و چه به دیگران حواله دهد. «فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَهُ»
- ۴- میزان صدقه تعیین نشد تا هر کس تصمیم بگیرد. «صَدَقَهُ»
- ۵- از هر راهی باید برای فقرزدایی استفاده کرد. شرط ملاقات خصوصی با پیامبر، پرداخت صدقه به فقرا بود. «فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَهُ»
- ۶- در انتخاب میان پول و پیامبر، میزان ایمان و علاقه مردم شناخته می شود.  
«فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَهُ»
- ۷- صدقه، قوانین و محدودیت های اجتماعی، خیرات بسیاری را برای فرد و جامعه به دنبال دارد. «ذَلِكَ خَيْرٌ»
- ۸- وابستگی به دنیا، پلیدی و دل کندن از آن پاکی است. «ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ»
- ۹- صدقه، نوعی تطهیر است. «أَطْهَرُ» چنانکه در جای دیگر می خوانیم: «خَذُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ» [۲۷]
- ۱۰- در احکام اسلام بن بست نداریم. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا ...
- ۱۱- قانون گذار باید مراعات همه مردم را در وضع قانون بکند. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا ...
- ۱۲- فقرا به خاطر ناتوانی بر صدقه، احساس حقارت نکنند، زیرا مشمول رحمت الهی هستند. «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»
- ۱۳- هیچ گاه اسلام کسی را به خاطر فقر طرد نکرده و محروم نساخته است. «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

\*\*\*\*\*

أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا

اللَّهِ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (۱۳)

آیا نگران شدید از این که قبل از نجوایتان صدقه دهید؟ پس اکنون که صدقه ندادید و خدا هم لطف خود را بر شما بازگرداند، نماز به پا دارید و زکات پردازید و خدا و رسولش را اطاعت نمایید و خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است.

### نکته ها:

- \* «اشفاق» به معنی دلهره و دل نگرانی به خاطر از دست دادن چیزی است. [۲۸]
- \* این آیه نشان می دهد که پرداخت صدقه، پیش از گفتگوی خصوصی با پیامبر، از ابتدا فرمانی آزمایشی بود تا مؤمنان صادق و عاشق، از دیگران بازشناخته شوند. نه آنکه چون خداوند دید مردم عمل نمی کنند، عقب نشینی کرد.
- \* در این آیه، برخی اصحاب پیامبر که به خاطر ترس از بذل مال، به هر اندازه که باشد گفتگو با رسول الله صلی الله علیه و آله را ترک کردند، مورد عتاب الهی قرار گرفته اند.

### پیام ها:

- ۱- با آنکه نجوا با پیامبر، امری واجب یا مستحب نبود، ولی چون بخل ورزیدند، مورد توبیخ قرار گرفتند. «أَشْفَقْتُمْ»
  - ۲- همه اصحاب پیامبر اکرم مطیع او نبودند. «فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا» (آنان به فرمان صریح «فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً» عمل نکردند).
  - ۳- اگر مستحبات را انجام نمی دهید، حداقل در انجام واجبات کوتاهی نکنید.
- خداوند به کسانی که حاضر به پرداخت صدقه نشدند، می فرماید: زکات بدهید. «أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا ... صَدَقَاتٍ ... آتُوا
- الزَّكَاةَ
- ۴- توبیخ باید همراه با راه جبران باشد. «أَشْفَقْتُمْ ... تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ...»



۵- از کسانی که نافرمانی می کنند مأیوس نشوید و با آنان برخورد عادلانه داشته باشید. خداوند از کسانی اطاعت

می خواهد که در مورد فرمانی دیگر اطاعت نکردند. لَمْ تَفْعَلُوا ... أَطِيعُوا اللَّهَ

۶- اهتمام به نماز و زکات، مصالح فوت شده را جبران کنید. لَمْ تَفْعَلُوا ... فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

۷- دین، یک رابطه فردی و شخصی با خدا نیست، رسیدگی به فقرا و اطاعت از فرمان های حکومتی پیامبر نیز از

احکام دینی است. «فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ»

۸- در چگونگی عمل خود دقت کنیم که خداوند به همه اعمال آگاه است. «وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»

\*\*\*\*\*

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴)

آیا ندیدی کسانی را که با گروهی که مورد غضب خداوند بودند، طرح دوستی ریختند؟ آنها نه از شما هستند و

نه از آنان و با این که خود می دانند به دروغ سوگند می خورند (که از شما هستند).

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)

خدا برای آنان عذاب سختی آماده ساخته، زیرا کاری انجام می دهند که بسیار بد است.

#### نکته ها:

\* گرچه در قرآن، گروه های مختلفی مورد غضب الهی قرار گرفته اند، ولی شاید مراد از قوم غضب شده در این

آیه و آیات دیگر، یهودیان باشند، زیرا سه بار در قرآن با جمله «بِأُوْیُغُصِبِ» [۲۹] از آنان یاد شده است.

\* مراد از کسانی که با گروه مورد غضب واقع شده، طرح دوستی ریختند، منافقان هستند.

#### پیام ها:

۱- پذیرفتن ولایت و سرپرستی کسانی که مورد غضب خداوند قرار گرفته اند، امری قابل توبیخ است. أَلَمْ تَرَ إِلَى

الَّذِينَ ...

۲- کسی که دست خود را از دست پیامبر رحمت جدا کند، در دست غضب شدگان تاریخ می گذارد. تَوَلَّوْا ... غَضِبَ

اللَّهُ عَلَيْهِمْ

۳- جدا کردن خودی از غیر خودی و شناخت دشمن و منافق، لازم است. «ما هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ»

۴- عادت و روش منافقان، توسل به سوگند دروغ است. «يَخْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ»

۵- منافقان، پیوسته از مقدّسات سوء استفاده می کنند. «يَخْلِفُونَ»

۶- منافقان، آگاهانه دست به خلاف می زنند. «وَهُمْ يَعْلَمُونَ»

۷- عذاب و کیفر الهی، به خاطر عملکرد بد انسان ها است. «سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

\*\*\*\*\*

اتَّخَذُوا آيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿١٦﴾

سوگندهایشان را سپر ساختند و مردم را از راه خدا بازداشتند، پس برایشان عذابی خوار کننده است.

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٧﴾

هرگز اموال و فرزندانشان، چیزی از خشم و غضب خدا را از آنان دفع نمی کند. آنان اهل آتش هستند و در آنجا

ماندگار.

#### نکته ها:

\* برای به انحراف کشاندن و بازداشتن مردم از راه حق، شیاطین جن و انس راه های مختلفی دارند که در قرآن

مطرح شده است، از جمله:

سوگند دروغ که در همین آیه مطرح است.

سرمایه گذاری های مادی. «يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» [۳۰]

سرمایه گذاری فرهنگی و گسترش و اشاعه فساد. «مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»

[۳۱]

بدعت و دین سازی. «وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَاداً لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ» [۳۲]

زیبا جلوه دادن بدی ها و تزئین اعمال. «زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ» [۳۳]

## پیام ها:

۱- منافقان، از مذهب پیوسته و همیشگی علیه مذهب استفاده می کنند. «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً»

۲- عذاب منافقان شدید است. فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ... فِيهَا خَالِدُونَ

۳- هشدارهای قرآن بسیار جدی است. مال و فرزند در آخرت، کارساز نخواهد بود.

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ ...

۴- دنیا با آخرت تفاوت های فراوانی دارد، که از جمله ی آن، بی اثر بودن مال و فرزند در آخرت است.

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ ...

۵- در هشدارها به سراغ علت ها بروید. علت توطئه ها، مغرور شدن به مال و فرزند است.

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ ...

۶- نفاق در دنیا، سبب جاودانگی در دوزخ است. «أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

\*\*\*\*\*

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۸)

روزی که خداوند همگی آنان را برمی انگیزد و برای خداوند سوگند یاد می کنند، همانطور که برای شما سوگند

یاد می کنند و می پندارند که آنان بر چیزی (استوار) هستند. بدانید که آنان همان دروغگویانند.

## نکته ها:

\* مسئله سوگند دروغ در قیامت، بارها در قرآن آمده است. چنانکه در سوره انعام آیه ی ۲۳ می خوانیم: «وَاللَّهِ

رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» با سوگند می گویند که ما مشرک نبودیم.

\* چون سوگند به تدریج انسان را به باور می کشاند، لذا باید در برابر سوگند دروغ ایستاد و اجازه نداد که مردم

آن را باور کنند. در جمله «أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ»، کلمات «ألا، ان، هُم» همه برای پیشگیری از باور مردم است.

\* از نشانه های منافق در دنیا و آخرت دروغگویی است. در سوره منافقون می خوانیم که خداوند گواهی منافقین را درباره حقانیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دروغ می داند. «وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» و در این آیه، خداوند آنان را در قیامت هم دروغگو می داند.

### پیام ها:

- ۱- اگر دروغگویی برای انسان ملکه و خُلق ثابت و همیشگی شود، حتی در قیامت هم به دروغ سوگند می خورد.  
«فَيَخْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ»
- ۲- منافقان در دنیای خیالی غوطه ور هستند. «يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ»
- ۳- زندگی منافقان، سراسر دروغ و نادرستی است. «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ»

\*\*\*\*\*

اِسْتَحْوِذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۹)

شیطان بر آنان چیره و مسلط شده است، پس یاد خدا را از خاطرشان برده است. آنان حزب شیطانند. آگاه باشید که حزب شیطان همان زیانکارانند.

### نکته ها:

\* حضرت علی علیه السلام می فرماید: اگر حق و باطل به طور روشن مطرح باشند، مشکلی پیش نمی آید ولی مخلوط کردن حق و باطل سبب بروز فتنه و تسلط شیطان می شود. «و لکن یؤخذ من هذا ضغاث و من هذا ضغاث فیمزجان فهناک یتتولی الشیطان علی اولیائه» [۳۴]

امام حسین علیه السلام نیز در کربلا به لشکر یزید فرمود: «استحوذ الشیطان علی اولیائه». [۳۵]

\* روش شیطان این گونه است که:

گام به گام انسان را به سوی خود می کشاند. «خَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ» [۳۶]

گاهی مطلبی را القا می کند، نظیر کسی که از دور سنگی پرتاب می کند. اَلْقَى الشَّيْطَانُ... [۳۷]

گاهی تماس می گیرد ولی نفوذی ندارد. «مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ» [۳۸]  
 گاهی در دل نفوذ می کند. «يُوسَّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ» [۳۹]  
 گاهی در دل نفوذ می کند و همانجا می ماند. «فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» [۴۰]  
 گاهی انسان برادر شیطان می شود. «إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» [۴۱]  
 وگاهی مرید شیطان می شود و شیطان بر او تسلط کامل می یابد. «اسْتَخَوَدَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ»

### پیام ها:

- ۱- مؤمن در صورت تماس با شیطان، متذکر یاد خدا می شود، «مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا» [۴۲] اما منافق که از مرحله تماس به مرحله سلطه پذیری شیطان رسیده، دیگر متذکر هم نمی شود. «فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ»
- ۲- سوگند دروغ، مقدمه سلطه شیطان است. يَخْلِفُونَ ... اسْتَخَوَدَ ...
- ۳- هر چه از یاد خدا غافل شویم، به مدار حزب شیطان نزدیک می شویم.  
فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ... حِزْبُ الشَّيْطَانِ
- ۴- خود را در اختیار هر حزب و گروهی قرار ندهیم که بعضی گروه ها، حزب شیطان اند. «أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ»
- ۵- خسران واقعی، پیروی از شیطان است، نه زیان های مالی. «إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»

\*\*\*\*\*

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذْيَانِ (۲۰)

همانا کسانی که در برابر خدا و رسولش دشمنی می کنند، آنان در زمره خوارترین مردم اند.

### نکته ها:

\* ظاهراً این آیه در ادامه آیات قبل و ادامه حرکات منافقان است، خصوصاً با توجه به این که در آیه پنجم همین سوره، سرنگونی و هلاکت موضع گیری خصمانه در برابر خدا و رسول را خواندیم. «يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُتِبُوا كَمَا

كُتِبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ»

\* مشکلاتی که گاهی مؤمنان می کشند، زودگذر، لحظه ای و برطرف شدنی است. «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» [۴۳] ولی ذلت مخالفان، ابدی و عزتشان مقطعی است. «أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ»

### پیام ها:

- ۱- نفاق و دورویی، انسان را به جایی می رساند که خود را در برابر خدا و رسول قرار می دهد. «يُخَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»
- ۲- همان گونه که دستورات پیامبر دستورات خداست، جنگ با رسول خدا جنگ با خداست. «الَّذِينَ يُخَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»
- ۳- هر کس در مقابل حق بایستد، به بدترین ذلت ها دچار خواهد شد. يُخَادُّونَ اللَّهَ ... فِي الْأَذَلِّينَ
- ۴- کسانی که مسلمانان را ذلیل می دانستند، «لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ» [۴۴] خودشان بدترین نوع ذلت را تحمل خواهند کرد. «فِي الْأَذَلِّينَ»
- ۵- چون عزت تنها از آن خدا و رسول او است، پس کسانی که در برابر آنان جبهه می گیرند، ذلیل ترین و خوارترین افراد می شوند. «فِي الْأَذَلِّينَ»
- ۶- سرانجام مخالفت با دستورات خدا و پیامبر، خواری و ذلت در دنیا و آخرت است. «أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ»

\*\*\*\*\*

كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلِينَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢١﴾

خداوند حکم کرده است که همانا من و پیامبرانم (بر کافران و منافقان) چیره خواهیم شد.

همانا خداوند قدرتمند شکست ناپذیر است.

### نکته ها:

\* سنت خداوند پیروزی حق بر باطل است. با آن همه تهمت هایی که به پیامبر زدند و با آن همه کارشکنی ها و مانع تراشی ها و ایجاد فتنه ها و جنگ ها، آیا تا کنون نام پیامبر اسلام و سایر انبیا بیشتر مطرح است یا مخالفان

شان؟ نام حضرت ابراهیم باقی است یا نمرود؟ امام حسین علیه السلام عزیز است یا یزید؟ امام حسین علیه السلام به هدفش که رسوا کردن بنی امیه و دادن درس آزادگی به بشریت بود رسید، اما یزید چطور؟

سؤال: اگر حق پیروز است، پس چرا در مواردی طرفداران آن شکست می خورند؟

پاسخ: اگر گفته شود فرزند نعمت است، به این معنا نیست که مشکلات دوران بارداری و زایمان، در کار نیست، بلکه مراد آن است که با تمام این مشکلات نعمت است. پیروزی حق بر باطل نیز در سایه ایمان، استقامت و اتحاد

است، چنانکه قرآن می فرماید: «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» [۴۵]

، «لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» [۴۶] اما اگر سستی و تفرقه و نافرمانی پدیدار شد، شکست

حتمی خواهد بود، «حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ» [۴۷]

\* بر اساس روایات، وعده خداوند در مورد غلبه کامل حق بر باطل، در زمان ظهور امام زمان علیه السلام محقق

خواهد شد.

\*\*\*\*\*

لا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۲۲)

هیچ قومی را نمی یابی که به خدا و قیامت مؤمن باشند و (در همان حال) با کسی که در برابر خدا و رسولش

موضع گرفته است، مهرورزی کنند، حتی اگر پدران یا پسران یا برادران یا خویشانانشان باشند.

آنها کسانی هستند که خداوند، ایمان را در دلهايشان ثابت فرموده و با روحی از جانب خویش آنان را تأیید

نموده است و آنان را در باغهایی که نهرها از پای (درختان) آنها جاری است، وارد می کند در حالی که در آنجا

جاودانه هستند، خداوند از آنان راضی است و آنان نیز از او راضی هستند. آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید که

تنها حزب خدا پیروز و رستگارند.

## نکته ها:

\* مقام رضا، بالاتر از مقام تسلیم است، یعنی بنده نه فقط تسلیم مقدرات الهی و امر و نهی اوست، بلکه در دل نیز به آن راضی است و از سر رضایت آن را می پذیرد.

\* ایمان با کفر سازگار نیست. به نوح درباره ی فرزندش گفته می شود: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» [۴۸] هنگامی که برای ابراهیم ثابت شد عمومی او منحرف است، از او برائت جست.

«فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» [۴۹]

حتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از استغفار برای مشرکان منع می شود. «ما كان لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» [۵۰]

## توئی و تبری

در سوره مجادله بارها سخن از توئی و تبری مطرح شده است که بیانگر اهمیت دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خداست:

«تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»، لا تَجِدُ ... يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ

امام رضا علیه السلام فرمود: «کمال الدین ولایتنا و البرائه من عدونا» کمال دین، در پذیرش ولایت ما و دوری از دشمنان ماست.

به امام صادق علیه السلام گفتند: فلانی به شما محبت می ورزد ولی نسبت به برائت از دشمنان شما ضعیف عمل می کند. حضرت فرمودند: دروغ می گوید کسی که ادعای محبت ما را دارد و از دشمن ما دوری نجسته است. [۵۱]

امام صادق علیه السلام فرمود: «أوحى الله الى نبي من انبيائه قل للمؤمنين لا تلبسوا لباس اعداي و لا تطعموا مطاعم اعداي و لا تسلكوا مسالك اعداي فتكونوا اعداي كما هم اعداي» [۵۲] خداوند متعال به پیامبری از پیامبران وحی فرمود که به مؤمنان بگو: مانند دشمنان من لباس نپوشند و مانند دشمنان من غذا نخورند و در چگونگی زندگی و رفتار، مانند دشمنان من نباشند، چرا که در این صورت دشمنان من محسوب می شوند. هم چنانکه آنان دشمنان من هستند.

در حدیث آمده است: «هل الدين الا الحب و البغض» [۵۳] آیا دین، جز حبّ و بغض است؟



## انواع تأییدهای الهی در قرآن:

تأیید با فرشته خود جبرئیل. «أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ» [۵۴]

تأیید ویژه الهی. «وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»

تأیید با یاری مؤمنان. «أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» [۵۵]

تأیید با لشکریان ناپیدای الهی. «أَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا» [۵۶]

\* قرآن در چند مورد عبارت «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» را به کار برده است:

۱. در مورد راستگویان راست کردار: يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ ... رَضِيَ اللَّهُ ... [۵۷]

۲. در مورد پیشگامان و پیشتازان: وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ... رَضِيَ اللَّهُ ... [۵۸]

۳. در مورد مؤمنان واقعی: كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ ... رَضِيَ اللَّهُ ...

موضع گیری در برابر خدا و رسول آن قدر زشت و ناپسند است که چهار بار در قرآن مطرح شده و هر بار با تهدید و غضب الهی همراه بوده است. از جمله در همین سوره آیات ۲۰، ۲۲ که به صورت های مختلفی تهدید در پی داشته است مانند:

سرنگون شدن. «كِبِتُوا»

خوار شدن. «فِي الْأَذْلِينَ»

مورد بی مهتری قرار گرفتن. لَا تَجِدُ قَوْمًا ... يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ...

و دخول در آتش و جاودانگی در جهنم. مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ ... لَهُ نَارٌ ... خَالِدًا ... [۵۹]

## پیام ها:

۱- یک دل، دو دوستی بر نمی دارد. دوستی خداوند با دوستی دشمنان دین خدا قابل جمع نیست. لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ ... يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ (در آیه ای دیگر داریم: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» [۶۰] خداوند در سینه انسان دو دل قرار نداده است.)

۲- عیب ها را از ریشه برطرف کنید. مودت دشمنان خدا انسان را به گرایش های فکری، عملی و اخلاقی به سوی آنان وادار می کند، لذا باید ریشه ی آن را خشکاند. لَا تَجِدُ ... يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ

۳- در اسلام، روابط و علاقه ها باید در شعاع رضای خداوند باشد. «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ»

۴- روابط خانوادگی و خویشاوندی نیز خط قرمز و مرز دارند. وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ ...

۵- خداوند به خاطر قطع رابطه با چهار گروه از خویشان اگر معاند باشند، (پدر، پسر، برادر و فامیل)، چهار نمونه از

لطف خود را بیان کرده است: ایمان، امداد، بهشت و رضوان. «الْإِيمَانُ، أَيْدَهُمْ، جَنَاتٍ، رَضِيَ اللَّهُ»

۶- ارزش ایمان به ثبات آن است و گرنه ایمان های مقطعی، موسمی و عاریه ای [۶۱] بسیار است. «كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمْ

الْإِيمَانَ»

۷- اول ایمان پایدار، بعد امداد و دریافت. كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ ... أَيْدَهُمْ ...

۸- دین تنها یک رابطه قلبی و فردی میان انسان و خدا نیست، بلکه تعیین کننده روابط اجتماعی است. لَوْ كَانُوا

آبَاءَهُمْ ...

۹- پاداش ها منحصر به آخرت نیست، بلکه تثبیت ایمان و امداد الهی، از پاداش های الهی در همین دنیاست. كَتَبَ

فِي قُلُوبِهِمْ ... أَيْدَهُمْ

۱۰- حزب الله، با دشمن خدا دوست نمی شود. لَا تَجِدُ قَوْمًا ... يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ ...

أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ

۱۱- حزب الله، نژاد و زبان و منطقه خاص ندارد، بلکه هر مؤمن مقاوم و استوار، جزو حزب الله است. لَا تَجِدُ قَوْمًا

يُؤْمِنُونَ ... يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ ... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ

۱۲- پیروزی و غلبه ای ارزش دارد که همراه با رستگاری و رسیدن به هدف باشد.

در جای دیگر می فرماید: «أَلَا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» [۶۲] و در اینجا می فرماید:

«أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

۱۳- تداوم نعمت، خود یکی از نعمت های بهشتی است. «خَالِدِينَ فِيهَا»

۱۴- این که ما از خدا راضی باشیم یک طرف قضیه است، مهم رضایت خدا از ماست. «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ»

۱۵- در قیامت نعمت ها دو گونه است: مادی جَنَاتٍ ... و معنوی. رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ ... (چنانکه در جای دیگر می فرماید:

«وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» [۶۳])

«والحمد لله رب العالمين»

## منابع:

- [١] - تفسير نمونه.
- [٢] - نساء، ٩٢.
- [٣] - مائده، ٨٩.
- [٤] - نساء، ٥٨.
- [٥] - نساء، ٦٣.
- [٦] - آل عمران، ١٣٨.
- [٧] - لقمان، ١٣.
- [٨] - بحار، ج ٦٧، ص ٣٠٩.
- [٩] - نساء، ٣٤.
- [١٠] - طلاق، ٣.
- [١١] - تفاسير نورالثقلين و نمونه.
- [١٢] - تفسير الميزان.
- [١٣] - كهف، ٤٧.
- [١٤] - كهف، ٤٩.
- [١٥] - غافر، ٥١.
- [١٦] - تفسير الميزان.
- [١٧] - تفاسير الميزان و نمونه.
- [١٨] - اسراء، ٢٧.
- [١٩] - تفسير مراعى.
- [٢٠] - تفسير نمونه.
- [٢١] - تفسير فرقان

- [٢٢] - زمر، ٩.
- [٢٣] - تفسير تبيان.
- [٢٤] - تفسير نمونه
- [٢٥] - تفاسير كنز الدقائق، نمونه و در المنثور
- [٢٦] - مائده، ٦.
- [٢٧] - توبه، ١٠٣.
- [٢٨] - تفسير الميزان.
- [٢٩] - بقره ٦٠ و ٩١، آل عمران، ١١٢.
- [٣٠] - انفال، ٣٦.
- [٣١] - لقمان، ٦.
- [٣٢] - زمر، ٨.
- [٣٣] - نمل، ٢٤.
- [٣٤] - نهج البلاغه، خطبه ٥٠.
- [٣٥] - تفسير نورالثقلين.
- [٣٦] - نور، ٢١.
- [٣٧] - حج، ٥٢.
- [٣٨] - اعراف، ٢٠١.
- [٣٩] - الناس، ٥.
- [٤٠] - زخرف، ٣٦.
- [٤١] - اسراء، ٢٧.
- [٤٢] - اعراف، ٢٠١.
- [٤٣] - آل عمران، ١٢٣.
- [٤٤] - منافقون، ٨.
- [٤٥] - فصلت، ٣٠.

- [۴۶] - آل عمران، ۱۳۹.
- [۴۷] - آل عمران، ۱۵۲.
- [۴۸] - هود، ۴۶.
- [۴۹] - توبه، ۱۱۴.
- [۵۰] - توبه، ۱۱۳.
- [۵۱] - بحار، ج ۲۷، ص ۵۸.
- [۵۲] - وسائل، ج ۳، ص ۲۷۹.
- [۵۳] - بحار، ج ۶۵، ص ۶۳.
- [۵۴] - مائده، ۱۱۰.
- [۵۵] - انفال، ۶۲.
- [۵۶] - توبه، ۴۰.
- [۵۷] - مائده، ۱۱۹.
- [۵۸] - توبه، ۱۰۰.
- [۵۹] - توبه، ۶۳.
- [۶۰] - احزاب، ۴.
- [۶۱] - انعام، ۹۸.
- [۶۲] - مائده، ۵۶.
- [۶۳] - توبه، ۷۲.